

## آرته

## کیتان

**جای خالی نیچه در پدیده‌روی اربعین**

● **محمد صرفی:** انسان معاصر کارهای عجیب و خارق‌العاده کم نکرده است و در این راه چنان پیش رفته است که برخی از معجزات پیشین به اموری عادی و روزمره تبدیل شده‌اند. معجزه باید نسبتی خارق‌العاده با زمان و جهان خود داشته باشد. در عصری که برخی از عالمان، متفکران و اندیشمندان‌ش هریک به نحوی پایان معنویت را اعلام کرده و انسان معاصر نیز به تبعیت از آن دچار سردرگمی و پوچی بی‌پایان شده است، مراسم زیارت اربعین با این مختصات و ابعاد معجزه‌ای آشکار است. نیچه ۱۱۸ سال پیش فوت کرد و این فرصت را نیافت که معجزه عصر جدید را ببیند. آیا دیگر بزرگان عرصه علم و اندیشه جهان از مرحله انکار و سانسور عبور کرده و چشم خود را به روی این رویداد خارق‌العاده خواهند گشود؟ وقتی نوح(ع) و یارانش در بیابان کشتی می‌ساختند، واکنشی جز طعنه و تمسخر دریافت نکردند. اما بالاخره توفان از راه رسید و شد آنچه باید می‌شد. جهان سال‌هاست غرق در توفان غفلت و پوچی است و کشتی حسین(ع) و مسافران‌ش تنها نجات‌یافتگان این توفان سهمگین هستند.

### وطن شکرور

**نظارت راه اعمال قوه مقننه محدود تکنید**

● **سیدیاسر جبرائیلی:** یکی دیگر از تلاش‌های جریان لیبرال این است که اگر هم بنیاست نظارتی شود، یا جنبه مشورتی داشته باشد و هیئت عالی نظر خود را پیش از تصمیم‌گیری به دولت و مجلس ارائه کند یا اینکه کار نظارت جنبه صدور کارنامه داشته باشد. این مسئله بسیار مهم است که نظارت نباید جنبه مشورتی داشته یا به صورت مؤخر انجام شود. نظارت باید جاری و مؤثر باشد، چنان که طی ماه‌های اخیر و در قضیه کنوانسیون‌های تکلیفی FATF چنین بوده است. لیبرال‌ها به سباق سابق خود، اراده کرده‌اند یا شارالانات‌پازاری و جابروجنجال رسانه‌ای، هیئت عالی نظارت را منقعل کرده و از عمل به وظایف شرعی و قانونی خود بازدارند. جای تعجب است که دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی که درباره مسائل بسیار جزئی‌تر و کم‌اهمیت‌تر برای رسانه‌ها دستورالعمل صادر می‌کند، تاکنون درباره این‌همه سازمان‌یافته علیه اختیارات رهبری در قانون اساسی سکوت اختیار کرده است. هیئت نظارت در مجمع تشخیص مصلحت نظام، در واقع یک مکانیسم ضمانت اجرا برای رعایت حدود جمهوری اسلامی است. اعضای محترم هیئت عالی نظارت عنایت داشته باشند که وظیفه‌ای که به آنان تفویض شده، تعیین‌کننده مرز میان جمهوری اسلامی و لیبرال – دموکراسی غربی است. اگر به مصوبات و مقررات دستگاه‌ها، به سیاست‌های کلی ترسیم شده از جانب ولی ققیبه بی‌اعتنایی شود، به معنی حذف عملی ولایت فقیه از نظام تصمیم‌گیری کشور است.

### ایران

**نتیجه پیاده‌شدن از کشتی اصلاح‌طلبی براندازی باجمود است**

● **مرتضی‌الویری:** دوستان اصلاح‌طلب ما در ماه‌های گذشته نظرات‌شان را در قالب چند بیانیه اعلام کرده‌اند. دوستان مجاهدین انقلاب سابق مانند بهزاد نبوی، آرمین، سلامتی و مصطفی تاجزاده مجموعه‌ای را ارائه دادند. دو، سه جمع اصلاح‌طلب دیگر هم نظرات خودشان را درباره مسائل جاری ارائه دادند. در خیلی از مسائل کلیدی و مهم هم‌نظر هستند. به‌عنوان مثال در مورد سیاست خارجی اختلاف نظری نداریم. همه ما بر این نظر هستیم که از تقابل دست‌برداریم و به تعامل با جهان برسیم. در مورد برجام معتقدند که این توافق حرکت مطلوب و درستی بود و باید از آن حمایت کرد. درباره FATF رای مجلس به لولایح مرتبط با آن را یک ارزش تلقی می‌کنیم. نظارت استصوابی را در تضاد با حق انتخاب آزاد مردم می‌دانیم. در مورد رفع حصر موضع واحدی داریم. معتقد به تأمین و حفظ آزادی مطبوعات هستیم. بنابراین در خیلی از مسائل کلیدی اصلاح‌طلبان با یکدیگر هم‌نظر هستند. در مورد مسائل اقتصادی گروه‌های مختلف نظرات مختلفی دارند ولی در آن مورد هم می‌توان خطوط مشترکی را ترسیم کرد. به‌طور مثال اصلاح‌طلبان با دادن یارانه به آن صورتی که آقای احمدی‌نژاد دایر کرد مخالف هستند و این را به ضرر اقتصاد کشور یا منافع ملی می‌دانند. همچنین در زمینه پرداخت یارانه و ارزن فروشی منابع انرژی هم اصلاح‌طلبان اشتراک نظر بر این دارند که این قیمت‌ها باید منطقی شود تا از قاچاق سوخت به کشورهای همسایه و هرزرفتن منابع انرژی خودداری شود. حامی سرمایه‌گذاری خارجی هستیم. رونق گردشگری خارجی و حضور آنان را مفید و در جهت توسعه پایدار می‌دانیم. مخالف اقتصاد تک‌پایه هستیم و نظایر اینها. منتها در مورد شخص ممکن است قضاوت‌ها متفاوت باشد. یکی ممکن است معتقد باشد که باید گفت به‌ عملکرد دولت و بی‌توجهی به شعرهایی که در زمان انتخابات داده شد، برخورد کرد و دیگری معتقد باشد به اینکه با توجه به مواجهه دولت با فشارهای خارجی و داخلی باید از دولت حمایت کرد. این سلیقه شخصی است.

politics@sharghdaily.ir

### دیپلماسی

## یک تیر و دو نشان نتانیاهو در مسقط

اسرائیل بوده است. اعلام چنین دستور مذاکراتی از نظر شواهد و قرائن موجود تا حدی باورپذیر است، به دلیل اینکه یک هفته پیش از حضور نتانیاهو و همسرش در کاخ سلطان قابوس در مسقط، محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین به این کشور رفت و با قابوس دیدار کرد. از سوی دیگر حامیان رویکرد صلح فلسطین، به‌خصوص دونالد ترامپ، نقشه راه همه‌جانبه‌ای برای یک صلح یک‌جانبه با فلسطینی‌ها که بر اساس سنت مالوف صهیونیست‌ها، همچنان تلا‌ویو در آن دست بالا را داشته باشد، ترسیم کرده که بهره‌برداری از اختلافات و بحران‌ها در خاورمیانه در رأس آن قرار دارد. در چنین شرایطی راست‌های افراطی اسرائیلی و نتانیاو نیازی به یک توافق واقعی ندارند، بلکه درصد‌چیدن یک‌میز مذاکرات با فلسطینی‌ها برای مشروعیت‌بخشیدن به همه دستاوردهای نامشروع خود پس از اشغال سرزمین‌های ۱۹۶۷ هستند. پایتختی بیت‌المقدس برای اسرائیل و رسمیت‌بخشیدن به شهرک‌های صهیونیستی که با غصب سرزمین‌های فلسطینی مرزهای ۱۹۶۷ و کرانه باختری تأسیس شده‌اند، از جمله‌مهم‌ترین دستور جلسه‌گفت‌وگوهای مورد

نظر چنین میز مذاکراتی هستند. دلیل انتخاب عمان به عنوان مقصد سفر دیپلماتیک برای نتانیاهو نیز احتمالاً به رفتار میانه‌رو و میانجی‌گرانه مسقط در برخی بحران‌های سال‌های اخیر مربوط است. اگرچه قبل از این، در سال ۱۹۹۴ اسحاق رابین و در سال ۱۹۹۶ شیمون پرز نخست‌وزیران وقت اسرائیل به عمان سفر داشتند و با سلطان قابوس دیدار کرده‌اند، اما این نخستین سفر نتانیاهو به یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس است که با درنظرداشتن الگوی روابط دیپلماتیک اسرائیل با دولت‌های عربی از بدو تأسیس اسرائیل تاکنون که عموماً به شکل «دیپلماسی پنهان» بوده، می‌تواند حامل این پیام باشد که دستاورد چندان باارزشی خواهد داشت که بر هزینه‌های آن فائق است.

همچنین یکی دیگر از دلایل توسل به میانجیگری عمان، می‌تواند به انفعال مصر و اردن به عنوان دو کشور مهم عرب حاضر در پرونده‌های صلح فلسطینی مربوط باشد. اسرائیل از کارت مصر در صلح کمپ اوسید استفاده کرد و از کارت اردن در طرح جدید در مذاکرات نابرابر با فلسطینی‌ها کاغذپاره‌هایی بی‌ارزش از سوی تل‌آویو می‌ماند و با اینکه با ابتکار آمریکا و اروپا و حضور فعال

### بن‌علوی: زمان تعامل با اسرائیل فرارسیده است

# عمان در دوراهی تهران – تل‌آویو

به آینده است. اسرائیل یکی از کشورهای منطقه است و زمان تعامل با آن فرارسیده. این آینده است. در نتیجه همان‌طور که بدبین‌ها را دعوت کرده‌ایم که امید داشته باشند، باید قدرت پذیرش این را داشته باشند.

در این شرایط محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، اواسط هفته گذشته سفری به مسقط داشت. حالا موضوع «معامله قرن» نیز در صحبت‌های وزیر خارجه عمان مطرح شده و او جایگاه عمان در موضوع رژیم اسرائیل و فلسطین را

در این چارچوب تعریف کرده است. او توضیح داد که نقش عمان در صلح میان فلسطین و رژیم اسرائیل، مبنی‌بر نقشی است که دولت آمریکا در چارچوب طرحی دارد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، آن را «معامله قرن» نامید. درمقابل دبیرکل

دبیرخانه دائمی کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین مجلس دراین‌باره گفت: «سفر نتانیاهو به مسقط در اجرای معامله قرن ثمری نخواهد داشت». امیرعبداللهیان دیدار نتانیاهو، نخست‌وزیر جنتایکار و نامشروع صهیونیستی، با

سلطان قابوس در کشور عمان را به دور از حکمت شناخته‌شده در سلطان قابوس توصیف کرد.

دستیار ویژه رئیس مجلس شورای اسلامی تأکید کرد که این تحرکات برای ترامپ و نتانیاهو در جهت

تحمیل و اجرای معامله قرن ثمری نخواهد داشت.

اسرائیل منعقد شدند، اما صهیونیست‌ها بر اساس سنت استقاده ابزاری از میز مذاکرات، مرکز عملاً به این توافقات پایبند نماندند و همچنان اشغال، شهرک‌سازی، قتل‌عام فلسطینی‌ها و محاصره را ادامه داده‌اند. اکنون نیز به نظر می‌رسد با بی‌اعتبارشدن دو میانجی قبلی، سراخ میانجی جدید، یعنی عمان رفته‌اند تا پیمان تازه‌ای را منعقد کنند.

همچنین بر اساس معادلات سیاسی موجود در منطقه، امکان مطرح‌شدن موضوعات دیگری در گفت‌وگوی نتانیاهو با قابوس از جمله تحریم‌های آمریکا علیه ایران دور از ذهن نیست. نتانیاهو این روزها کمتر فرصتی را برای فشار بر ایران و ایجاد فضای ایران‌هراسی از دست می‌دهد و احتمال دارد در حاشیه‌گفت‌وگوهای احتمالی درباره جلب نظر عمان برای صلح، مواردی در درخواست همسویی عمان با تحریم‌ها علیه ایران را هم مطرح کرده باشد. با این حساب، سفر رسمی نتانیاهو به عمان، یک تیر دونشانی است که هم در پی به‌دست‌آوردن غنائم جدیدی در مذاکرات نابرابر با فلسطینی‌ها و هم بی‌اعتبارکردن دولت عرب دیگری به عنوان میانجی این مذاکرات است.

### بن‌علوی: زمان تعامل با اسرائیل فرارسیده است

اما به نظر می‌آید که عمان استراتژی جدیدی را در منطقه اتخاذ کرده است، در شرایطی که عربستان نیز به دلایل مختلف در حال اذست‌دادن حمایت‌های غربی خود است. بن‌علوی در بخش دیگری از سخنانش گفت: «اکنون برای اندیشیدن جدی به راهی از مشکلاتی که به کشورهای منطقه اجازه پیشرفت شایسته را نمی‌دهد، زمان فراهم شده است.» او گفت که درخصوص مسئله فلسطین طرح ابتکار صلح عربی و طرح‌های دیگر مطرح شده است. عمان میانجی میان فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها نیست، اما ایده‌هایی برای نزدیک‌شدن دو طرف مطرح می‌کند. بن‌علوی تأکید کرد: «امروز اولویت، خروج از این منازعه و ورود به دنیای جدید است.»

به نظر می‌رسد دنیای جدیدی که بن‌علوی از آن سخن می‌گوید در بین مقامات ایران واکنش‌هایی به همراه داشته باشد. هرچند که وزارت خارجه هنوز واکنشی به صحبت‌های وزیر خارجه عمان نشان نداده است، اما شاید بتوان این واکنش را پیش‌بینی کرد. وقتی که در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل هم پیششهاد میانجیگری از سوی وزیر خارجه روسیه مطرح شد، سخنگوی وزارت خارجه ایران گفت: همه مواضع جمهوری اسلامی در برابر رژیم اسرائیل را می‌دانند، پس نیازی به توضیح بیشتر نیست.

نکته دومی هم که نباید از آن گذشت،

هدف والای امام حسین(ع) بود. آن حضرت از اینکه در شهر کوفه حضور یابد، همان نیت را می‌خواست عملی کند که جدش

وزیر خارجه بحرین نیز با مغتم‌شمردن فرصت منامه بار دیگر ادعاهای خصمانه‌اش علیه جمهوری اسلامی ایران را مطرح کرد. به گزارش ایسنا به نقل از پایگاه خبری الفجر، خالد بن احمد، وزیر خارجه بحرین گفت عربستان پناگاه منطقه در برابر آنچه توسعه‌طلبی ایران خواند، است. وی مدعی شد: دخالت‌های ایران در منطقه همچنان تداوم دارد و نیروهای حزب‌الله لبنان که مورد حمایت ایران هستند، به دنبال ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی در لبنان هستند. وزیر خارجه رژیم آل خلیفه همچنین مدعی شد: تازمانی‌که ایران از طریق دخالت در امور دیگران به‌دنبال سیطره بر منطقه خاورمیانه است، محقق‌شدن ثبات در این منطقه امکان‌پذیر نخواهد بود. به نقل از روزنامه‌المواطن وزیر خارجه بحرین همچنین مدعی شد یمن آخرین قربانی سیاست توسعه‌طلبانه ایران در منطقه است.

**متیس: من و شریکمان عربستان**

وزیر دفاع آمریکا نیز در این کنفرانس، در بخشی از سخنان انتقادآمیز خود درباره ایران به حملات حوثی‌ها علیه سعودی‌ها که ادعا می‌کند تحت حمایت ایران هستند، پرداخت. به گزارش واشنگتن‌تایمز، جیمز مستلئه آسانی است؛ ما از آن می‌خواهیم به یک کشور عادی تبدیل شود، ترویرسم را نشر ندهد و برای ایجاد هرج‌ومرج در جهان نیروهای وابسته به خود را به کار نکیرد. اگر این اتفاقات رخ دهد، بار دیگر از ایران استقبال خواهیم کرد و ما منتظریم که مسئولان ایرانی این امر را انجام دهند.

خصمانه خود گفت: ایران بزرگ‌ترین حامی ترویرسم است. وزیر خارجه سعودی گفت روند صلح باید کلید روابط با اسرائیل باشد.

ادامه در صفحه ۱۵

## ادامه از صفحه اول

## مسیر آزادی

چنانچه بررسی دقیقی به عمل آید که تصمیم حضرت سیدالشهدا(ع)، سرانجام چه بازخورد تاریخی پیدا کرده و به عبارت روشن‌تر، «ایستادگی تمام‌قامت در برابر نظام خلافت» چه هراوردی در مسیر زمان به دنبال خود آورده است؟ همان پرسش ظریفی است که شاید بتوان پاسخ آن را به‌عنوان یک رهنوشه برای تاریخ بشری شمار کرد؛ اعلام مخالفت علنی یک شخصیت مردمی در برابر خلیفه‌ای که در رأس هرم قدرت قرار گرفته، کاری بود که هزینه سنگین آن را حضرت سیدالشهدا(ع) پرداخت تا از آن‌سو بتواند راه را برای صداهای دیگر بگشاید. یک مقاومت مدنی از سوی امام(ص) کافی بود تا مسلمانان را از انقیاد یکسویی رها و ذهن‌های بسته را از اطاعت‌پذیری محض که به‌صورت الیگارشسی دینی درآمده بود، رها کند. آنها با رویداد کربلا به این حقیقت رسیدند که می‌توان در برابر خلیفه مدعی و اسلام‌پناه، مخالفت کرد؛ چون یک نمونه شاهد معتبر برای سندیت این کار کافی بود. او توانسته بود تا پای جان‌ش در برابر صاحبان قدرت و سرنیزه بایستد خانواده و همراهان اندک‌ش نیز پشت سر او ایستادند و سپس شهید یا به اسارت برده شدند. این تنها نتیجه کار نبود بلکه درازمدت این اعتراض علنی در خط سیر تاریخ، چون رودی پرخروش جاری شد و در چهارگوشه دنیا تأثیر خود را بر جا نهاد. ساختارگرایان جامعه‌شناس معتقدند که این اثرگذاری «تاریخ» است که می‌تواند تغییرات زیربنایی را برای آیندگان به وجود آورد و بر خلاف باور عمومی که زمان حال را می‌گیرد، رویدادهای برجسته تاریخ، قادر است افق سرنوشت یک سرزمین را دگرگون کند. با نگاهی به تاریخ تمدن غرب، مقاومت‌هایی که از میان رهبران ایمانی آغاز شد و در میدان‌های شهر شمع‌آجین یا سوزانده شدند، بیشتر از دیگران سبب تحول فکری در آینده سرزمینشان شدند. هرچند آن مقطع زمانی به ساحل موفقیت نرسیدند اما باعث شدند تا جامعه غربی بتواند با این پشتوانه تاریخی به نوزایی و رنسانس برسد و مردمانش از تاریکی قرون وسطی خارج شوند. بی‌اغراق می‌توان گفت که در کنار همان مقاومت‌های محیطی، حرکت ساختارشکن ابعادالله الحسین(ع) نیز در مسیر زمان، اثرگذار شد و دور از انصاف است که سهم این مقاومت حسینی در تحولات مغرب‌زمین نادیده گرفته شود. تغییر نگرش تاریخ در نوع حکومت‌داری غرب، قطعاً مرهون تلاش ستارگانی بوده که جان خود را در این راه پرخون گذاشتند و سرور آزادگان جهان در میانشان چون خورشیدی بی‌غروب می‌درخشد زیرا هر تلاطمی در جغرافیای زمین همچون قانون آب عمل می‌کند و در مسیر زمان، تأثیر خود را در نقاط دیگر می‌گذارد.

نکته دومی هم که نباید از آن گذشت، هدف والای امام حسین(ع) بود. آن حضرت از اینکه در شهر کوفه حضور یابد، همان نیت را می‌خواست عملی کند که جدش پیامبر رحمت(ص) به محض رسیدن به مدینه اجرایش کرد. حقیقت این است که جامعه‌سازی، همیشه در اولویت کار یک صلح‌کبیر است. حضرت سیدالشهدا(ع) در عین آنکه یک عارف بسالله تمام بود، به نجات مردم از ظلمات نیز می‌اندیشید؛ ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاة. حضرت می‌خواست بنا بر اسوه جدش، رسول خدا(ص)، نظم جدیدی در شهر کوفه بنا دهد و بر طریقی نیکو، شهر را هویتمند کند اما سرکوبگران حکومتی شده راه او شدند و از ایجاد چنین جامعه معیاری که چون چراغ در میان بلا، جهان بدرخشد، جلوگیری کردند. کوفه برای این فرهنگ‌پروری، بسیار مستعد و بکر بود. این شهر در تاریخ هفدهم هجری پدید آمد و حرکت به سوی این نهال شهری که به شیوه مردم‌سالار دعوت‌نامه فرستاده بود، انتخاب خردمندان آن حضرت بود؛ زیرا فرزندی شایسته می‌خواست کار ناتمام پدر را در آن دیار، جامه عمل ببوشاند. الگوبرداری از پیشوایان راستین، در این معنای تاریخی نهفته و سزاوار است که این حقایق در منبرها و تریبون‌های اجتماعی بازگفته شود. اگر چنانچه قرار است مجلس ذکری به یاد آن حضرت برپا شود، قطعاً باید از سبیره پاک آن خورشید، روشنایی پذیرد. بنا بر مطالعه سیره تانباک حسینی، آن حضرت هرگز در مقتل‌خوانی عاشقانش، رابطه ارباب – نوکر، و کنیز و غلامی نمی‌خواهد. دعای عرفه امام(ع) بسوی آدمیت و عرفان می‌دهد. در یک جمله کلیدی، آن پیشوای آزاده، برای دوستدارانش رشد و آگاهی می‌طلبد و از ترویج خرافات یا آسیب‌رسانی به اعضا و جوارح منجز است. آنها که در مسیر اهداف امامشان کام برمی‌دارند و تا حرم یار می‌روند، مسلماً لحظات پرشور و خالصی می‌آفرینند. پس باید برآمد رفتارشان، کلاما حسینی باشد؛ یعنی به‌سوی صلح، عزت و سربلندی مسلمانان حرکت کند تا در قبال آن جوش‌خروش، رضایت پروردگار عالمین را جلب کند.